

ویژگی‌های شناختی و رفتاری جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی در چشم انداز متون تاریخی

مریم بهمن^۱، سیدحسین شفیعی دارابی^۲، نسرين انصاریان^۳

چکیده

مهاجرت دوم مسلمانان به حبشه، از جمله وقایع مهم در تاریخ صدر اسلام به شمار می‌رود. بنا به توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله، سرپرستی مهاجران در این عرصه مهم فرهنگی و سیاسی، بر عهده جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه بوده است. بر اساس مستندات معتبر تاریخی، صفات والای شناختی و رفتاری نیک این صحابه نبوی، در دستیابی مسلمانان به دستاوردهای مهم و بنیادی، نقشی کلیدی داشته است. بدین جهت، پژوهش پیش رو با رجوع به منابع تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است: در چشم انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروز یافته از جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه در مجلس نجاشی چیست؟ برآیند تحقیق حاضر این است که اموری همچون: زمان شناسی و درک موقعیت، دین شناسی و دشمن شناسی، برخورداری از صبوری، بردباری و شجاعت، و بهره‌گیری از توان خطابه و سخنوری، از مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروز یافته از جناب جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه در مجلس نجاشی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: جعفر بن ابی طالب، هجرت به حبشه، نجاشی، ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های رفتاری.

۱. دانش پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء رضی الله عنها، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ bahmanm9840@gmail.com.
۲. دکترای تفسیر و علوم قرآنی، استادیار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه و مدیر گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء رضی الله عنها، قم، ایران؛ syedhosein.shafieidarabi@miu.ac.
۳. دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء رضی الله عنها، قم، ایران؛ nasrin.ansarian@yahoo.com.

مقدمه

پس از نزول آیات ۲۱۴ سوره شعراء و ۹۴ سوره حجر، آغاز دعوت علنی پیامبر خدا ﷺ در مکه (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۴۶-۴۷ و بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۸۹) و مؤثر واقع نشدن اعمال دو شیوه تطمیع و تهدید از ناحیه کفار قریش در آن حضرت، و نیز افزایش شمار مسلمانان در مکه، سران جبهه کفر بر آن شدند تا از طریق آزاررسانی به تازه مسلمانان و ایجاد رعب و وحشت در بین آنان، از مسلمان شدن سایر افراد جلوگیری کنند. از این رو، به شکنجه و آزار برخی از بردگان و کنیزان وابسته به قبایل غیربنی هاشم پرداختند. در چنین شرایطی، پیامبر ﷺ مسلمانان را به هجرت به حبشه فرا خواند. (ابن سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳).

مسلمانان دو بار به حبشه هجرت کردند. هجرت اول، در ماه رجب سال پنجم بعثت با حضور دوازده تا هفده مرد و زن مسلمان و با سرپرستی عثمان بن مظعون رخ داد. این طیف از مهاجران، حدود سه ماه در حبشه ماندند و با شنیدن خبر جعلی مسلمان شدن اهل مکه، در ماه شوال همان سال به مکه بازگشتند (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۸۶).

هجرت دوم، در سال پنجم بعثت، با حضور ۸۳ مرد و یازده زن قریشی و هفت بانوی غیرقریشی به وقوع پیوست (ابن سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۶۲) و مهاجران پس از حدود دوازده سال اقامت در حبشه و بعد از پایان غزوه خیبر، به مدینه بازگشتند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۰). در هجرت دوم، از میان طایفه بنی هاشم، تنها جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه به همراه همسر خود، اسماء بنت عمیس، حضور داشت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۳) و طبق توصیه نبی اکرم صلی الله علیه و آله، سرپرستی این گروه از مهاجران را بر عهده گرفت (ابن سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۴، ص ۳۴).

جناب جعفر رضی الله عنه، فرزند ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم و فاطمه بنت اسد، برادر امام علی رضی الله عنه و پسرعموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. وی بیست سال قبل از بعثت متولد شد و ده سال از عقیل کوچک تر و ده سال از امام علی رضی الله عنه بزرگ تر بود (ابن عبدالبکر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴۲). جعفر در جوانی به اسلام ایمان آورد و پس از امام علی رضی الله عنه، دومین مردی بود که به دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله پاسخ مثبت داد (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۱ و امین، ۱۴۰۳، ص ۴، ۱۱۹). در روایات متعدد منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از او در قالب اوصافی همانند سادات اهل بهشت، نقبا، نجبا (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۲۷)،

از عترت پیامبر (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۱)، از سابقین در اسلام (ذهبی، ۲۰۰۳، ج ۱، ص ۳۲۹)، ذوالجناحین (صاحب دو بال)، طیار (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰۹ و ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۸)، ذوالهجرتین (ابن عنبه، ۱۳۸۰، ص ۳۵) و ابوالمساکین (پدر بینویان) (اصفهان، ۱۳۸۵، ص ۱۶) یاد شده است. همچنین از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَقَى وَ خُلِفْتُ أَنَا وَ جَعْفَرٌ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ؛ مردم از درختان گوناگون هستند و من و جعفر از یک درختیم» (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۲۷). از جعفر، ویژگی‌های دیگری همچون: خطیب توانا، سرداری برجسته و شجاع، باسقاوت و آگاه به مسائل دینی نیز یاد شده است (عودی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۰۷). در تعدادی از روایات تفسیری، نام جناب جعفر، هم‌ردیف مؤمنانی چون حمزه و امام علی علیه السلام و به عنوان الگویی برای اهل ایمان ذکر شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۳؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۷۶).

برخی از مورخان و محدثان بر این باورند که در هجرت دوم، مسلمانان با شنیدن توصیه نبوی: «لَوْ خَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ، فَإِنَّ بِهَا مَلَكًا لَا يُظْلَمُ عِنْدَهُ أَحَدٌ، وَ هِيَ أَرْضٌ صِدْقٍ، حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرْجًا يَمَّا أَنْتُمْ فِيهِ» (ابن هشام، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۱؛ طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۱؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۵، ص ۲۷۸ و ج ۱۷، ص ۳۵)، به سوی حبشه هجرت کردند؛ چراکه حاکم آنجا، نجاشی، مسیحی پارسا و عادل بود. ابن سعد و بیهقی آورده‌اند: «جعفر بن ابی طالب در سخنانی در حضور نجاشی، علت هجرت را این گونه بیان نمود: زمانی که شمار مسلمانان فزونی گرفت و ایمان آوردن به اسلام آشکار شد و شماری از قبایل به تعذیب و حبس مسلمانان از قبیل خود پرداختند تا آنان را از دینشان بازگردانند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: در زمین خدا پراکنده شوند. سؤال کردند: به کجا برویم؟ آن حضرت به حبشه اشاره کردند» (ابن سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۹۰ و بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۷).

پس از این مهاجرت، قریشیان به تکاپو افتادند و از آنجا که با حبشیان رابطه بازرگانی داشتند و میانشان دوستی برقرار بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۵)، عمرو بن عاص و عبدالله بن ابی ربیع را با هدایایی نزد نجاشی، پادشاه حبشه، فرستادند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۸). عمرو بن عاص پناهندگان را برده‌هایی نادان معرفی کرد که از دین خود بیرون رفته‌اند و از این طریق کوشید

نجاشی را متقاعد کند که جعفر بن ابی طالب علیه السلام و همراهانش را به مکه بازگرداند، اما نجاشی بر آن شد تا علت را از خود مهاجرین جويا شود. از این رو، بزرگان دینی کشورش را جمع کرد و در جلسه‌ای با حضور آنان، علت مهاجرت را از مسلمانان پرسید. جعفر بن ابی طالب علیه السلام با نهایت شجاعت و دلیری و با پیشه نمودن صبوری و بردباری و با استفاده از توان معرفتی و شناختی خود نسبت به آموزه‌های قرآن کریم، به پرسش‌های نجاشی پاسخ داد. جعفر با تدبیری ستودنی، از گفتمان در این جلسه، به نفع اسلام و مسلمین بهره جست و ذلت و سرافکنندگی و شکست فاحشی را دامنگیر نمایندگان قریش کرد (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۵). یقیناً آگاهی از شیوه‌های فرهنگی - تبلیغی جناب جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی و بهره‌گیری از آنها در میدان مبارزه با دشمنان و دفاع از اسلام و مسلمین در دوره معاصر، امری ضروری و سودمند خواهد بود. بدین جهت تحقیق حاضر با استفاده از متون تاریخی معتبر، به دنبال پاسخ به این پرسش است که در چشم‌انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروزیافته از جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی چیست؟

بر اساس جستجوی انجام شده این نتیجه به دست آمد که برخی از نویسندگان، نگاه‌هایی در رابطه با هجرت به حبشه و نیز تحقیقاتی درباره شخصیت جعفر بن ابی طالب پدید آورده‌اند. برای نمونه، کتاب هجرت به حبشه به قلم عبدالحمید جوده السحار و کتاب جعفر طیار نگاشته سید کمال، به صورت کلی، به موضوع اسلام آوردن جعفر بن ابی طالب، هجرت مسلمانان به حبشه و نقش رهبری جناب جعفر در این سفر پرداخته‌اند. در مقاله «نمایندگان فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کارکرد آنان در گستره دعوت‌گری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با روی آوری به رویداد هجرت به حبشه»، نوشته ارسلان ایلکا و همکاران، با تأکید بر تبلیغ و آموزش به عنوان ارکان اساسی در ترویج دین اسلام، به بررسی ابتکار و خلاقیت‌های فردی جناب جعفر در نشان دادن تفاوت رسوم جاهلیت، مسیحیت و اسلام پرداخته شده است. در بررسی پیشینه، موضوع این مقاله، در آثار گذشته یافت نشد.

۱. مفهوم‌شناسی

باتوجه به اهمیت بحث مفهوم‌شناسی، قبل از پرداختن به مباحث اصلی پژوهش، مفهوم عبارت «ویژگی‌های شناختی» بیان می‌شود:

تعبیر «ویژگی‌های شناختی»، مرکب از دو کلمه ویژگی‌ها و شناخت است. ارباب فرهنگ و دانشوران لغوی فارسی‌نگار، کلمه ویژگی‌ها را مترادف با واژگانی همچون: خصیصه‌ها، خصلت‌ها و خصوصیات می‌دانند (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۷۳). کلمه شناخت نیز عبارت دیگری از واژه «معرفت» و مترادف با مفاهیمی همچون: آگاهی، بینش، دانش، شناسایی و عرفان است (همان، ج ۱، ص ۹۵۸). مقصود از تعبیر «ویژگی‌های شناختی» در این تحقیق، خصوصیات معرفتی جعفر بن ابی‌طالب علیه السلام است. مهم‌ترین مصداق این بخش از خصوصیات جناب جعفر که در خلال تحقیق بدان‌ها توجه داده شده، عبارت است از: برخورداری از شناخت لازم در سه عرصه دین‌شناسی (معارف قرآنی و حدیثی)، دشمن‌شناسی، و آشنایی با آموزه‌های دین یهودیت و مسیحیت.

۲. نمودهایی از ویژگی‌های شناختی و رفتاری جعفر بن ابی‌طالب علیه السلام در مجلس نجاشی

پس از مهاجرت مسلمانان با سرپرستی جعفر بن ابی‌طالب به حبشه، نمایندگان اعزامی کفار قریش ضمن تدارک هدایایی بسیار برای نجاشی، با دادن نسبت‌های ناروا به مهاجران، خواهان بازگرداندن آنها به مکه شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۰). نجاشی برای بررسی وضعیت مهاجران و درخواست نمایندگان قریش، مجلسی را در حضور درباریان برگزار کرد (ابن‌هشام، ج ۱، بی‌تا، ص ۳۳۵). در این جلسه، ضمن گفت‌وگوهای صورت پذیرفته بین جعفر بن ابی‌طالب به نمایندگی از مهاجران و پادشاه حبشه، شاهد بروز ویژگی‌های متنوعی از این مسلمان مجاهد هستیم. در ادامه و در قالب دو محور، به بازخوانی تعدادی از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

۲-۱. ویژگی‌های شناختی جعفر بن ابی طالب (ع) در مجلس نجاشی

۲-۱-۱. زمان شناسی و درک موقعیت

شناخت زمان، درک موقعیت‌ها و تدارک سازوکارهای مناسب با مقتضیات زمانی (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۱۴-۲۰)، از جمله عوامل بنیادین و بسیار مؤثر در کسب موفقیت‌ها به شمار می‌روند. قرآن کریم در موارد متعددی بر زمان شناسی و درک موقعیت و استفاده از فرصت‌ها تأکید می‌کند (ر.ک: توبه: ۵؛ نساء: ۸۹؛ آل عمران: ۱۱۸). این امر مهم بارها در متون حدیثی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله، روایت امام علی (ع) است که می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْإِيَّامَ، لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعَادِ؛ هر کس ایام را بشناسد، از آماده شدن (وره توشه فراهم ساختن) غافل نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۳).

گزارش‌های تاریخی حاکی از این است که از جمله هنرهای جناب جعفر طیار (ع) این بود که در مواجهه با تلاش‌ها و هجمه‌های تبلیغاتی فرستادگان قریش که کوشیدند اسلام را دینی ناشناخته و ناسازگار با آیین مسیحیت معرفی نمایند، با درک زمان و موقعیت‌یابی مناسب، به مقابله فرهنگی با آنان پرداخت. ایشان در پاسخ به سؤال نجاشی در مورد محتوای دین جدید و کتاب قرآن، با انتخابی مناسب، به تلاوت آیاتی از سوره مریم پرداخت که با تعالیم مسیحیت کاملاً هماهنگی و سازگاری داشت و نجاشی (که در حین تلاوت قرآن گریسته بود و اشک تمام چهره‌اش را پوشانده بود) گفت: «والله که در انجیل نیز همین آمده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۴۱۵).

حسن انتخاب جعفر بن ابی طالب (ع) در تلاوت آیاتی از قرآن که در تعظیم حضرت عیسی (ع) و مادرش، حضرت مریم (ع)، نازل شده بود موجب خنثی شدن نقشه فرستادگان قریش و عدم تحویل مهاجران به آنان و تأمین امنیت آنها توسط نجاشی شد. بدین ترتیب مهاجران در کمال آزادی، سال‌ها در حبشه ماندند و با موقعیت‌سنجی و درایت شایسته جعفر توانستند دین و عزت خود را حفظ کنند و از گزند کفار در امان باشند (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۸۷؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۰؛ اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۳۴ و سیوطی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۴۸).

۲-۱-۲. دین‌شناسی

از جمله امتیازات بشر بر دیگر آفریده‌های خدای متعال این است که وی از توان و ابزار لازم برای کسب معرفت مناسب و شناخت دقیق در حوزه‌های مختلف برخوردار است. براین اساس، بارها در خلال آیات و روایات، به این نقطه امتیاز مهم انسان در نظام آفرینش توجه داده شده (ر.ک: نحل: ۷۸؛ مومنون: ۷۸؛ ملک: ۲۳؛ انسان: ۲) و از افرادی که از این داده‌های الهی بهره‌ای مناسب نمی‌برند، به عنوان موجوداتی پست و گمراه‌تر از چهارپایان یاد شده است (اعراف: ۱۷۹ و فرقان: ۴۴). البته قلمرو بهره‌وری از ابزار شناختی، گسترده بوده و مهم‌ترین آنها مربوط به حوزه دین‌شناسی است. در اهمیت کسب این نوع از شناخت، همین بس که رسول اکرم ﷺ فرموده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ، وَ عِمَادُ الدِّينِ الْفِقْهُ؛ هر چیزی ستونی دارد و ستون دین، فهم دین است» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۱۶).

اقدامات جعفر طیار علیه السلام در مجلس نجاشی ضمن آنکه حاکی از توان بالای معرفتی او نسبت به فضای جاهلی عربستان بود، نشانه این است که حتی در سال‌های آغازین طلوع اسلام نیز ضریب شناختی وی در حوزه‌های مختلف دینی، به ویژه نسبت به شخصیت والای نبی اکرم ﷺ، آموزه‌ها و آورده‌های نیک آن بزرگوار، مشترکات بین ادیان آسمانی، و شخصیت ارجمند حضرت عیسی علیه السلام بسیار چشمگیر بوده است:

جعفرین‌ابی طالب علیه السلام در ابتدای سخنانش در مجلس نجاشی، به تشریح وضعیت عربستان در زمان جاهلیت و آورده‌های نیک رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و در این راستا چنین گفت: «ای پادشاه! ما مردمی گمراه بودیم که بت‌ها را پرستش می‌کردیم و مردار می‌خوردیم، مرتکب کارهای زشت می‌شدیم، صله رحم نمی‌کردیم و همسایه را آزار می‌دادیم. تا آنکه خداوند از میان ما مردی را به پیامبری برگزید که نسب او را به خوبی می‌شناختیم و او را راستگو و امین می‌دانستیم. او ما را به عبادت خدای یگانه و یکتاپرستی، صدق، امانت‌داری، نیکی با همسایه و پناهنده، نماز، زکات و روزه دعوت کرد و از کارهای زشت، ظلم و ستم، خون‌ریزی و خوردن مال یتیم برحذر داشت. ما او را تصدیق کردیم و به آیین او ایمان آوردیم و حلال و حرامش را پذیرفتیم. به همین علت، قوم ما بر ما ستم نمودند و به دشمنی و شکنجه ما

پرداختند تا از آیین خود دست برداریم. چون عرصه بر ما تنگ شد به کشور شما آمدیم و شما را از دیگران برتر و بهتر دانستیم و امیدوار هستیم که نزد تو ستم بر ما روا نباشد» (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۳۳ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۹ - ۳۱۰).

بی تردید اگر جعفر بن ابی طالب علیه السلام از شناخت لازم و دقیق نسبت به اوضاع بد جاهلی و آورده‌های وحیانی نیک بعثت نبوی برخوردار نبود، قطعاً نمی‌توانست در این جلسه (که صبغه محاکمه بر آن سایه افکنده بود)، با چنین قاطعیت، رشادت و جامعیتی سخن بگوید. همچنین با تتبع در آیات و روایات می‌توان به مستندات متعددی در جهت درستی و تأیید سخنان آغازین جعفر بن ابی طالب علیه السلام دست یافت و مطمئن شد که سخنان وی در این گفتمان محاجه‌ای، همخوان با واقعیات تاریخی و آموزه‌های دینی است.

۲-۱-۲-۱. مستند قرآنی سخنان جعفر بن ابی طالب علیه السلام

خداوند در توصیف وضعیت بد دوره جاهلیت و آورده‌های بنیادین رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «یقیناً خدا بر مؤمنان ممت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان می‌کند، و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران: ۱۶۴).

طبق این آیه شریفه، شاهدیم که خدای متعال ضمن تصریح بر از جنس «بشر» بودن رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به دو مطلب مهم دیگر نیز توجه داده است:

الف) آورده‌های بنیادین بعثت آن حضرت، یعنی تلاوت آیات، تزکیه اشخاص و احزاب، و تعلیم کتاب و حکمت به آنان در پرتو فراز «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ».

ب) حاکمیت ضلالت و گمراهی همه جانبه بر جوامع بشری به ویژه در جامعه جاهلی عربستان در قالب جمله «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ».

با تأمل در مفاد آیه مذکور، به وضوح می‌یابیم آنچه که جناب جعفر بن ابی طالب علیه السلام در

مورد آورده‌های نیک نبوی و اوضاع بد جاهلی قبل از اسلام خبر داده بود، کاملاً همخوان با آموزه‌های قرآن کریم و مستند به آن است.

۲-۱-۲-۲. مستند روایی سخنان جعفر بن ابی طالب علیه السلام

امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود، اوضاع عرب پیش از اسلام را چنین بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَاةٍ خُشْنٍ وَحَيَاتٍ صَمِّ تَشْرَبُونَ الْكَدِرَ وَتَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَضْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَالْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ؛ خداوند پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، را هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشتید و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشاوندی را می‌بردید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد، و مفسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۷۳، خطبه ۲۶).

در این بیان امیرمؤمنان علیه السلام شاهد این هستیم که آن بزرگوار ضمن توجه دادن به جهانی بودن بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بازگویی صفت والای «امین» بودن آن حضرت، به ارائه ترسیمی درست از اوضاع بد اعتقادی و رفتاری حاکم بر دوره جاهلیت پرداخته است. از این رو، سخنان ایشان نیز شاهی بر درستی گزارش جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی درباره رهاوردهای نیک بعثت نبوی و اوضاع ناخوشایند دوره جاهلیت است.

با تأمل در مفاد این دو مستند قرآنی و روایی، به روشنی می‌یابیم که آنچه جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی در مورد آورده‌های ارزشمند نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اوضاع بد جاهلی عربستان بیان کرد، کاملاً همخوان با مفاد آیات و روایات است.

۲-۱-۲-۳. آگاهی جعفر بن ابی طالب علیه السلام از مهم‌ترین مشترکات ادیان آسمانی الهی

بازگویی مشترکات اعتقادی و غیراعتقادی ادیان آسمانی الهی توسط جعفر بن ابی طالب علیه السلام

در مجلس نجاشی نیز گویای این حقیقت است که وی در حوزه معرفت دینی، از آگاهی لازم و مناسبی برخوردار بوده است. او در این جلسه، نخست بر مهم‌ترین مشترکات دینی بین ادیان الهی، یعنی باور به توحید، نبوت و معاد تأکید نمود و در ادامه، به بیان مشترکاتی از احکام دین اسلام و دیگر ادیان الهی، از قبیل رعایت صداقت و امانت، مراعات حال همسایه و پناهنده، پرهیز از کارهای زشت، قتل، ستم و خوردن مال یتیم پرداخت و سرانجام نیز به عبادات مشترک بین ادیان الهی، مانند نماز، زکات و روزه اشاره کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۹).

نکته شایان توجه اینکه این شیوه تبلیغی جعفر بن ابی طالب علیه السلام نیز ریشه در قرآن کریم دارد؛ زیرا در این کتاب آسمانی می‌خوانیم: خدای متعال به رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد در مواجهه با پیروان ادیان الهی دیگر چنین بفرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...»؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است (و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند) که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد» (آل عمران: ۱۶۴).

استفاده جعفر بن ابی طالب علیه السلام از این شیوه نیک، از سویی موجب پذیرش اسلام توسط نجاشی و اطرافیان او و آمادگی آنان برای شنیدن ادامه سخنان وی شد، و از ناحیه دیگر سبب گردید تا فرستادگان قریش، مجلس نجاشی را با ناکامی ترک کنند و بسیار افسرده و ناراحت شدند. در این حال، عمرو بن عاص رو به رفیق خود، عبدالله بن ابی ربیع، کرد و گفت: فردا بار دیگر به نزد نجاشی می‌روم و ریشه اینها را می‌زنم! چون روز دیگر شد، عمرو بن عاص به نزد نجاشی آمد و گفت: اعلیٰ حضرتنا! این بی‌خردان درباره عیسی سخن عجیبی می‌گویند.

شما کسی را به نزد ایشان بفرستید و سخن ایشان را درباره حضرت عیسی جویا شوید!
با احضار آنها، جعفر بن ابی طالب گفت: ما همان را گوییم که پیامبران از جانب خدای تعالی برای ما آورده است؛ یعنی ما معتقدیم که حضرت عیسی علیه السلام، بنده و پیامبر و روح خدا و کلمه الهی است که به مریم بتول فرستاده است.

در گزارش مورخان آمده است: نجاشی دست خود را به طرف چوبی که روی زمین بود دراز کرد و آن را برداشت و گفت: به خدا! سخنی که تو درباره عیسی گفتی با آنچه حقیقت مطلب است، از طول این چوب تجاوز نمی‌کند (و سخن حق همین است که تو گفتی)! این سخن نجاشی، به بزرگان و فرماندهان مسیحی حبشه که در کنار او ایستاده بودند گران آمد و نگاه‌های تندی به هم کردند. نجاشی که متوجه نگاه‌های آنها شده بود بدان‌ها گفت: و اگرچه بر شما گران آید! سپس به مهاجران گفت: شما با خیالی آسوده به هر جای حبشه که می‌خواهید بروید، و بدانید که در امان ما هستید و کسی نتواند به شما گزند رساند! آنگاه به اطرافیان خود گفت: هدایای این دو نفر (نمایندگان قریش) را پس دهید؛ چون ما را نیازی به آنها نیست، و خداوند برای بازگرداندن سلطنت من، رشوه از من نگرفت که من در این باره رشوه بگیرم، و مردم مرا در آغاز کار اطاعت نکردند تا من اطاعت اینان را بکنم. و بدین ترتیب فرستادگان قریش، شرمنده و دست خالی به مکه بازگشتند و هدایای قریش را نیز پس آوردند (ابن هشام، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱).

۲-۱-۳. دشمن‌شناسی

بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین شرایط موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی، شناخت دشمن است. در بخش عظیمی از آموزه‌های دینی، بر روی مسئله دشمن‌شناسی تشویق و تأکید شده است. در این زمینه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا التُّشَدَّ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكُهُ، وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ، وَلَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ؛ بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت، جز آنکه ترک‌کننده آن را بشناسید، هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود، مگر آنکه پیمان‌شکنان را بشناسید؛ و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آنکه رهاکننده آن را شناسایی کنید» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۱، خطبه ۱۴۷). نکته شایان توجه اینکه، از جمله شگردهای دشمنان که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده، این است که به شیوه‌های مختلف، سعی در پنهان کردن دشمنی خویش دارند (ر.ک: اعراف: ۲۱)؛ درحالی‌که هیچ‌گونه خیری را برای مؤمنان تاب نمی‌آورند (بقره: ۱۰۵).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد مشرکان مکه، از هجرت مسلمانان به حبشه و آسایش

آنان در این سرزمین، رنج می بردند و چاره را در بازگرداندن آنها دانستند. به همین منظور دو نفر از افراد سخنور و زیرک قریش را انتخاب کردند و به دربار نجاشی فرستادند. این دو نفر، «عمرو بن عاص» و «عبدالله بن ابی ربیعہ مخزومی» بودند. فرستادگان قریش، همراه با هدایایی به حبشه رسیدند و ضمن تقدیم آنها به پادشاه و بزرگان حبشه، درخواست خود را در مورد اخراج مهاجران با این بیان مطرح کردند: «انه قَدْ فَرَّ إِلَى بَلَدِ الْمَلِكِ مِنَّا غِلْمَانٌ سَفَهَاءُ فَارُقُوا دِينَ قَوْمِهِمْ وَ لَمْ يَدْخُلُوا فِي دِينِكُمْ وَ جَاءُوا بِدِينٍ مُّبْتَدِعٍ لَا نَعْرِفُهُ حُنٌّ وَ لَا أَنْتُمْ؛ گروهی از جوانان نابخرد قوم ما به تازگی از دین پدران ما دست کشیده و به دین تازه ای درآمده اند که نه دین شما (دین مسیح) است و نه ما چنین دینی سراغ داشته ایم» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۰ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۸).

جناب جعفر رضی الله عنه به دلیل آشنایی دقیق با ماهیت دشمنان و مطلع بودن از نقشه های شوم آنان، در عرصه مواجهه با توطئه ها و تحرکات دشمنانه آنها، ضمن تواضع و احترام به نجاشی، فرستادگان قریش را مورد خطاب قرار نداد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۰۴). وی با خطاب قرار دادن نجاشی، به صورت غیرمستقیم به مناظره با نمایندگان مکه پرداخت و با اعمال تدبیری مناسب، بی ادبی های آنها را پاسخ داد و توطئه های آنان را خنثی نمود. وی ضمن بیان هدف خود و مسلمانان مهاجر که در درجه اول، حفظ دین و سپس رهایی از آزار مشرکان بود، علت انتخاب حبشه به عنوان مقصد هجرت را چنین معرفی می کند: «خَرَجْنَا إِلَى بَلَدِكَ وَ اخْتَرْنَاكَ عَلَى مَنْ سِوَاكَ وَ رَغِبْنَا فِي جَوَارِكَ وَ رَجَوْنَا أَلَّا نُظَلَّمَ عِنْدَكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ؛ ای پادشاه! ما به قصد دیار تو خارج شدیم و تو را با رغبت بر همه برگزیدیم و به امید آن هستیم که در سرزمین تو مورد ستم واقع نشویم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۹). بدین ترتیب، جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه با شناخت دشمنان و مطلع بودن از شگرد خدعه و فریب آنان و تبیین چهره واقعی آنها، نجاشی را به رعایت عدالت در مورد مهاجران و تظلم علیه دشمنان خویش فراخواند و با اعمال شیوه ای کارآمد، روند این جلسه را بدان جا پیش برد که نجاشی خطاب به دو نماینده مشرکان گفت: بروید، به خدا سوگند که هرگز ایشان را نزد شما نخواهم فرستاد. و آن دو با سرافکنندگی بازگشتند (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۵).

۲-۲. ویژگی‌های رفتاری (کارکردی) جناب جعفر بن ابی طالب در مجلس نجاشی

به اعتراف مورخان، از جمله نقاط مثبت در زندگی جعفر بن ابی طالب (ع) این بود که وی، دوران نوجوانی و جوانی خود را دور از آلودگی‌های آن روزگار سپری کرد و با آنکه در آن زمان، سرزمین جزیره العرب آلوده به فساد اخلاقی و انحرافات اعتقادی بود، اما او با حفظ شرافت و تزکیه نفس خویش، متصف به چهار خصلت پرهیز از بت پرستی، فحشا، شراب خواری و دروغ بوده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۲، ص ۱۲۶ و شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۵۸). کارکردهای رفتاری این صحابی بزرگ نبوی حاکی از این است که وی پس از طلوع اسلام، به تداوم، تقویت و توسعه این خصلت‌های نیک و همانندهای آنها در عرصه زندگی خویش پرداخته است. همین امر موجب گردید تا جمعی از دانشوران تاریخی و غیرتاریخی، در مقام توصیف از او، بر این نکته تصریح نمایند که: «وی در زمان خود، از جهت زیبایی و اخلاق (رفتار)، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) بوده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۳۷ و شیبانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۹۱). آنان برای درست جلوه دادن این قضاوت خویش، به نقل داستان‌هایی متنوع از زندگی این صحابی بزرگ پیامبر (ص) پرداخته‌اند. بخش چشمگیری از این داستان‌ها، مربوط به ویژگی‌های رفتاری آن بزرگوار در ملاقات با نجاشی و هنگامه حضورش در مجلس اوست. در این راستا، به نقل نمونه‌هایی بسنده می‌شود:

۲-۲-۱. صبر و بردباری

یکی از خصلت‌های والایی که در خلال آیات و روایات، بارها از آن به نیکی یاد شده، صفت نیکوی «صبر» است. خدای متعال در مقام خبر دادن از سبک زندگی انبیای الهی، از صاحبان صبر تمجید می‌کند (آل عمران: ۱۴۶). در فضیلت خصلت صبر همین بس که در روایت رسول خدا (ص) ایمان، به صبر توصیف شده است (شہید ثانی، بی تا، ص ۴۷).
با مطالعه در ویژگی‌های نیک جعفر بن ابی طالب (ع) به وضوح می‌یابیم که سراسر زندگی وی، آراسته به صفت والای «صبر» بوده است. ابن قدامه، نسب شناس معروف، از جعفر بن ابی طالب (ع) به عنوان فردی بردبار و متواضع یاد نموده است (ابن قدامه، ۱۴۰۲، ص ۱۱۵). گزارش‌های مورخان حاکی از این است که هجرت مسلمانان به سرپرستی

جعفر بن ابی طالب علیه السلام به حبشه، همانند سایر هجرت‌ها با مشکلاتی همراه بوده است که از آن جمله، اقدام فرستادگان قریش برای بازگرداندن مهاجران از حبشه بود. البته نمایندگان قریش در این هدف ناکام ماندند و نجاشی، خواسته آنان در مورد تسلیم نمودن مهاجران به ایشان را نپذیرفت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۵). بی‌تردید عوامل متنوعی در بروز این ناکامی آنان و پیروزی جعفر بن ابی طالب و همراهانش تأثیرگذار بوده‌اند که بهره‌وری او از تدبیر درست و صبوری به هنگام حضور در مجلس نجاشی، از جمله این عوامل به شمار می‌روند. شواهدی از صبر جناب جعفر یافت می‌شود؛ از جمله اینکه در روایات تفسیری متعددی در ذیل برخی آیات مربوط به صابران، از جعفر بن ابی طالب علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق آیه یاد شده است. به عنوان مثال، در ذیل این آیه در سوره زمر می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد» (زمر: ۱۰).

برخی از مفسران فریقین، در مقام تفسیر این آیه، از جعفر بن ابی طالب به عنوان یکی از مصادیق آن یاد نموده (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۸۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۲۴۰؛ بلنسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۳۸ و میبدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۹۳) و گفته‌اند: این آیه در حق مهاجران به حبشه و یا مدینه نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۲۲۰؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۵۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۰۳). در روایت منقول از امام باقر علیه السلام در مورد شأن نزول این آیه نیز آمده است: «نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ حَمْرَةَ وَ جَعْفَرٍ ثُمَّ جَرَتْ فِي الْحُسَيْنِ؛ این آیه درباره علی و حمزه و جعفر نازل شد و در مورد امام حسین به وقوع پیوست» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۲۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۸۸۸ و حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۲۱).

۲-۲-۲. شجاعت و دلیری

صفت «شجاعت» از جمله اوصاف ضروری در عرصه مقابله و مبارزه با نیروهای متخاصم محسوب می‌شود و انجام هرگونه فعالیت در میادین فرهنگی و نظامی، متفرع بر وجود این

خصلت نیک است. در خلال آیات و روایات، از صاحبان شجاعت، به نیکی یاد شده و از جمله، خدای متعال، شهادت و شجاعت فعالان در عرصه تبلیغ و ابلاغ پیام‌های الهی را ستایش کرده است (احزاب: ۳۹). در فضیلت این صفت والا همین بس که یکی از خواسته‌های رسول اکرم (ص) از درگاه خدای متعال در مورد علی بن ابی طالب (ع) این بود که خداوند به حضرتش، مقام وصایت و صفت شجاعت را عطا فرماید (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۸۱۵). در کلام امام علی (ع) نیز آمده است که فرمود: «الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفُضَيْلَةٌ ظَاهِرَةٌ؛ شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۹).

از مطالعه آثار مورخان به خوبی برمی‌آید که شجاعت، از جمله صفات نیکی بود که جعفر بن ابی طالب (ع) از آن برخوردار بوده و در بیان ویژگی‌های وی، شجاعت او در کنار دیگر خصایص، همچون خطابه، سخاوت‌مندی و عرفان است (اصفهانى، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۱۱۴).

امیرالمؤمنین علی (ع) در موارد متعددی، از شجاعت و جوانمردی جناب جعفر یاد کرده است. از جمله فرمود: «وَلَمْ يَكُنْ مَعِيَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَصُولٌ بِهِ وَلَا أَقْوَى بِهِ أَمَّا حَمْرَةُ فَقُتِلَ يَوْمَ أُحُدٍ وَأَمَّا جَعْفَرٌ فَقُتِلَ يَوْمَ مَوْثَةَ؛ همراه من کسی از اهل بیتم نبود که با کمک او بجنگم و قوت بگیرم. حمزه در روز احد و جعفر در روز موته کشته شده بودند» (هلالی، ۱۴۰۵، ص ۹۲ و انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۱۹).

در منابع تاریخی نیز افزون بر نقل نمونه‌هایی از شجاعت جعفر در جبهه نظامی و نبرد وی با نیروی دشمن در میدان سخت جنگ «موته»، که موجب قطع دست‌های او گردید و به پاداش دست‌های قطع شده او و به پاس شجاعت و رشادت جعفر، خداوند دو بال به او عنایت کرد تا در بهشت به وسیله آنها پرواز نماید و به همین جهت، او را «ذوالجناحین» می‌خوانند (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۶۲؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۴ و ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۴، ص ۳۹). علاوه بر شجاعت در میدان جنگ، شاهد نمونه‌هایی از شجاعت این صحابه ارجمند نبوی در جبهه فرهنگی، به ویژه در مجلس نجاشی نیز هستیم. در شجاعت و عدم خوف این مبلغ راستین و موفق جهان اسلام در این مجلس، همین بس که وی در برابر تهدیدها و توطئه‌های نمایندگان کفار قریش در دربار نجاشی، خوفی به دل راه نداد و لحظه‌ای پا پس نکشید و عقب نشینی

نکرد. وی در این واقعه، همچون کوهی استوار، حضورش را در میدان محاجه با آنان حفظ نمود و سرانجام نیز به موفقیتی چشمگیر دست یافت؛ به گونه‌ای که نه تنها نمایندگان قریش را با شکست مواجه نمود و آنان را در دستیابی به اهداف شومشان ناکام گذاشت (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۲-۶۵۳؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰ و بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۵)؛ بلکه زمینه مسلمان شدن نجاشی و جمع زیادی از اطرافیان وی را نیز فراهم آورد.

۲-۲-۳. بهره‌وری از توان والای خطابه و سخنوری

یکی از ابزارهای مهم و بسیار مؤثر در کسب موفقیت در عرصه تبلیغ، برخورداری مبلغ دینی از توان خطابه و سخنوری مطلوب و استفاده بهینه از این نعمت الهی است. بر همین اساس، هنگامی که خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام مأموریت داد تا فرعون را به راه حق دعوت کند (ر.ک: طه: ۲۴)، موسی علیه السلام از خداوند خواست که گره از زبان او بگشاید (طه: ۲۵-۳۵) و هارون را که زبانی فصیح داشت با او همراه کند. این امر، حاکی از نقش والای نعمت سخنوری و خوش بیانی در امر تبلیغ است (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۴۳۲، ج ۲۲، ص ۳۴۶).

امام علی علیه السلام در راستای تبیین نقش سخنوری و خطابه زیبا می‌فرماید: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۱).

در قرآن کریم از سویی، از نعمت بیان و سخن گفتن به عنوان یکی از نعمت‌های الهی به انسان یاد شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۷ و ج ۱۶، ص ۱۷۲)، و از ناحیه دیگر، به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین توصیه نمود: در دعوت مخالفان، از سه ابزار کارآمد بهره جوید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز...» (نحل: ۱۲۵).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جعفر بن ابی طالب از توان خطابه و سخنوری بالایی برخوردار بوده (ابن‌قدمه، ۱۴۰۲، ص ۹۳) و ابونعیم اصفهانی او را «خطیب العارفین» معرفی کرده است (اصفهانی، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۱۱۴). هنگامی که در ساختار سخنان و محتوای جملات مطرح شده توسط او در مقام محاجه با نمایندگان کفار قریش در مجلس نجاشی می‌نگریم، به این نتیجه دست می‌یابیم که قضاوت مورخان در مورد برخورداری وی از توان بالایی خطابه

و سخنوری، حکیمانه سخن گفتن و رعایت اقتضائات زمانی و مکانی، کاملاً صحیح است؛ زیرا زمانی که نمایندگان قریش خواستند با دادن هدایایی به نجاشی، پادشاه حبشه، نظری را برای بازگرداندن مسلمانان به مکه جلب کنند، جعفر با تبیین منطقی عقاید اسلام و مسلمانان و بیان دیدگاه اسلام درباره حضرت مسیح (علیه السلام)، موجب متقاعد شدن نجاشی و اطرافیانش شد و بدین ترتیب، نمایندگان قریش در اقدام خود ناکام ماندند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۵-۳۳۶). او در این مجلس، با طرح سؤالاتی حکیمانه (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۷۶ و مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۴۱۴)، به تبیین جایگاه اجتماعی مهاجران در مکه پرداخت و با عنایت به مقتضای حال مخاطبان در مجلس نجاشی توانست در مقابل فرستادگان مشرکان، به ویژه عمرو بن عاص که سخنوری توانا بود، از دین و مهاجران دفاع کند؛ به گونه‌ای که با اشاره به مشترکات دین اسلام و مسیحیت و تلاوت آیاتی از قرآن کریم که مناسبت تام با عقاید پادشاه و بزرگان حبشه داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۹)، مصداق کامل «جدال احسن» قرآنی را به منصفه ظهور رساند.

مطابق برخی اخبار، با فعالیت تبلیغی جعفر بن ابی طالب، تعدادی از حبشیان به اسلام گرویدند و بعدها به همراه او به مدینه آمدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۲۲۹ و ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴۲).. برخی مفسران، آیه «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً...» (مائده: ۸۲) را درباره مؤمنانی دانسته‌اند که با جعفر مسلمان شدند و همراه او به مدینه هجرت کردند (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۱۳). باور تعدادی از مفسران دیگر نیز این است که آیه «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ «کسانی که به آنان کتاب آسمانی عطا کرده‌ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می‌کنند [و آن قرائت نمودن با تدبیر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می‌ورزند فقط آنان زیانکارند» (بقره: ۱۲۱)، درباره چهل نفر از اهل کتاب است که در حبشه به جعفر پیوستند و همراه وی، در سال هفتم هجری به مدینه آمدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۴ و واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۳). تعداد دیگری از مفسران، آیات ۵۲ تا ۵۵ سوره قصص: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ...» را نیز در شرح حال کسانی دانسته‌اند که به دست جعفر بن ابی طالب ایمان آورده بودند (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۶۷ و قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۳، ص ۲۹۶).

نتیجه‌گیری

با تتبع در متون تاریخی بازگوکننده حضور مسلمانان مهاجر به سرپرستی جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مجلس نجاشی در حبشه، مشخص گردید که این حضور، آراسته با نقاط مثبت متنوع و فراوان بوده است. قطعاً بازخوانی آنها و انجام درنگی مناسب در محتوای رفتاری و گفتاری جعفر بن ابی طالب علیه السلام در این مجلس می‌تواند در مواجهه فرهنگی دشمنان اسلام در زمان حاضر نیز راهگشا باشد.

نتایج برآمده از این تحقیق (که در راستای پاسخ به این پرسش که: در چشم‌انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروز یافته از جعفر بن ابی طالب در مجلس نجاشی چیست؟ صورت پذیرفته)، چنین است:

۱. سخنان حکیمانه جناب جعفر بن ابی طالب در مجلس نجاشی، حاکی از این است که وی افزون بر داشتن شناختی دقیق و کارآمد نسبت به معارف و آموزه‌های دینی، از ایمانی قوی و بصیرتی مناسب و... نیز برخوردار بوده است.
۲. جعفر بن ابی طالب علیه السلام با بهره‌وری مناسب از ویژگی‌های شناختی خود در مجلس نجاشی؛ از جمله: زمان‌شناسی و درک موقعیت، دین‌شناسی و دشمن‌شناسی و نیز با استفاده از استدلال‌های متقن در این مجلس توانست به بیان آموزه‌های بلند اسلامی همخوان با فطرت انسانی بپردازد و به خلع سلاح دشمن دست یابد.
۳. جعفر بن ابی طالب علیه السلام با استفاده بهینه از ویژگی‌های رفتاری ارزشمند خود در مدت حضور در مجلس نجاشی (از جمله: صبوری و بردباری، شجاعت و نترسی، بهره‌وری مناسب از فن سخنوری و خطابه‌ای مطلوب، طرح استدلال‌هایی نزدیک به اعتقاد مسیحیان، و اعمال روش مناسب گفتگوی دینی با پیروان سایر ادیان)، از سویی توانست موجب برقراری رابطه‌ای عمیق بین نجاشی و تعدادی از بزرگان مسیحی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گرویدن آنان به اسلام شود، و از ناحیه دیگر نیز موفق گردید تا حاشیه امنی برای مهاجران همراه خود ایجاد نماید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۳ ش، ترجمه: حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.
۲. نهج البلاغة، ۱۳۷۹ ش، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبیه الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۴. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری، ۱۳۸۵ ق، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر.
۵. _____، ۱۴۱۵ ق، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمية.
۶. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن حجر، ۱۴۱۵ ق، الإصابة فی تمييز الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمية.
۷. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۳ ش، العبر التاريخ، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. ابن سعد بغدادی، أبو عبدالله محمد، ۱۹۶۸ م، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر.
۹. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۲ ق، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
۱۰. ابن عساکر، أبو القاسم علی بن الحسن، ۱۴۱۵ ق، تاریخ دمشق، تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. ابن عنیه، سید جمال الدین أحمد بن علی حسنی، ۱۳۸۰ ق، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، نجف: المطبعة الحیدریة.
۱۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، ۱۴۰۲ ق، التبيين فی أنساب القرشيين، تحقیق: محمد نايف دليمی، بغداد: المجمع العلمي العراقي.
۱۳. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ۱۴۰۰ ق، السيرة النبوية (زندگانی محمد، پیامبر اسلام ﷺ)، ترجمه: سیدهاشم رسولی، تهران: کتابچی.
۱۴. _____، بی تا، السيرة النبوية (سیره ابن هشام)، بیروت: دار المعرفة.
۱۵. اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۸۵ ق، مقاتل الطالبیین، قم: منشورات المكتبة الحیدریة.
۱۶. اصفهانی، أبونعیم أحمد بن عبدالله، ۱۴۰۶ ق، دلائل النبوة، بیروت: دار النفائس.
۱۷. _____، ۱۹۶۷ م، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، بیروت: چاپ محمد امین خانجی.
۱۸. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۹. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، ۱۴۱۶ ق، أسرار آل محمد ﷺ (ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی)، قم: نشر الهادی.
۲۰. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۲۱. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، تفسیر بغوی؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۲. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر.
۲۳. بلنسی، محمد بن علی، ۱۴۱۱ق، تفسیر مبهمات القرآن، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۴. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۳۶۱ش، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
۲۵. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة.
۲۶. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد، ۱۴۲۷ق، سیر أعلام النبلاء، قاهره: دار الحدیث.
۲۷. _____، ۲۰۰۳م، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۸. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۰. _____، ۱۴۰۵ق، الخصائص الکبری، قاهره: دار الکتب الحدیثیة.
۳۱. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ۱۳۸۶ق، علل الشرائع، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة.
۳۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ق، التبیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. شیبانی، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، فضائل الصحابة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۳۲ق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۸. _____، بی تا، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: بی تا.
۳۹. _____، ۱۳۷۵ش، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
۴۰. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین علی بن احمد، بی تا، مسکن الفؤاد عند فقد الأجابة و الأولاد، قم: بصیرتی.
۴۱. عودی، ستار، ۱۳۷۸ش، «جعفر بن ابی طالب»، در دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۴۲. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۴۳. قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد بن أبی بکر، ۱۳۸۴ق، الجامع لأحكام آیات القرآن (تفسیر قرطبی)، قاهره: دار الکتب المصریة.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.

۴۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.

۴۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۳ ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۹. محدثی، جواد، ۱۳۸۵ ش، «زمان شناسی»، مجله معارف اسلامی، ش ۶۴، ص ۱۴ - ۲۰.

۵۰. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، فرهنگ فارسی معین، تهران: ادنا.

۵۱. مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴ ش، آفرینش و تاریخ، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.

۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

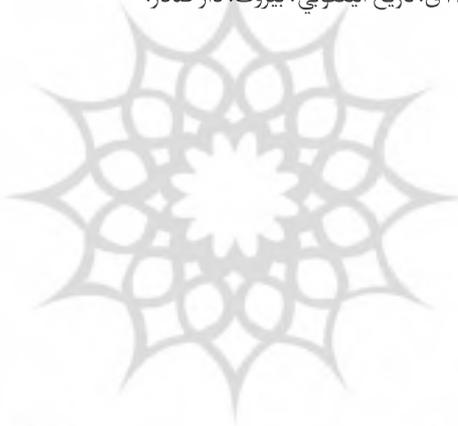
۵۳. میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱ ش، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۵۴. واحدی، ابوالحسن علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، أسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۵۵. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ ق، منهج البراعة في شرح نهج البلاغة، تهران: مکتبه الإسلامیه.

۵۶. هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ ق، کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، قم: الهادی.

۵۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۳۷۹ ق، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی